داستان‌های داوطلبانه

قدرت زنان در توقف جنگ و یک سوال از خانم مولاوردی!

سعید اصغرزاده

نوشته‌اند صدهامیلیون انسان در سراسر جهان، در راه صلح و تأمین امنیت بین‌المللی مبارزه می‌کنند. نوشته‌اند این تصادفی نیست. در جهان امروز، جنگ، به هر شکل و با هر دامنه‌ای، بالقوه می‌تواند به جنگی بین‌المللی مبدل شود. نوشته‌اند به همین دلیل در کشورهای گوناگون نیروهای صلح‌طلب اعم از احزاب، گروه‌ها و جمعیت‌های سیاسی و صنفی دست به‌دست هم داده‌اند تا جلوی ماشین جنگ را که از طرف سرمایه‌داران جهانی برپا می‌شود، بگیرند و من می‌نویسم که این یک کار داوطلبانه خوب و مفید است.

امسال سازمان جهانی زنان برای صلح و آزادی جهانی، پیش‌قدم شده است تا در جشن صدمین سالگرد فعالیت خود، کنفرانسی برای دستیابی به صلح و با محوریت نقش زنان در ایجاد صلح و توقف جنگ در چند روز آینده برگزار کند. به همین منظور این سازمان از بیش از ۱۳۰۰ فعال اجتماعی، اندیشمند و سیاست‌گذار دعوت کرده است تا راه‌های نوین ایجاد صلح در قرن ۲۱ را به مشورت بگذارند. کنفرانس جهانی صلح برای نخستین بار با عنوان «قدرت زنان در توقف جنگ» برگزار خواهد شد.

من نمی‌دانم که اجازه دارم از خانم مولاوردی عزیز بپرسم که ما کدام سیاست‌گذار یا اندیشمند یا فعال اجتماعی را به‌عنوان دولتی مردمی کمک کرده‌ایم تا به این کنفرانس برود یا شرایط دعوت به این کنفرانس را احراز کند؟ آیا ما صلح‌طلب نیستیم؟ شاید افرادی ایرانی در این کنفرانس حضور داشته باشند اما آیا نماینده زنان ما یا نماینده کشور ما هستند؟ ملاک سازمان جهانی زنان برای صلح و آزادی جهانی در دعوت از افراد چه بوده که ما در داخل کشور فاقد آن بوده‌ایم؟ آیا تلاش برای صلح خارجی و داخلی دارد؟ خودی و غیرخودی؟ چه چیزی باعث این تمایز شده است؟! با دولت! ایران در داخل مانع فعالیت صلح‌طلبانه زنان است؟! مگر فعالیت صلح‌طلبانه چه دارد که باید از آن بترسیم؟! این یک چالش است یا دقیقا نشانه مدنیت است که ایرانی، ایرانی است، و اینکه در آمریکا باشد و از صلح دم بزند؟

مزید اطلاعتان می‌گویم که نوشته‌اند از زمان پایان یافتن جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۵ تا امروز درست صدسال از تشکیل «سازمان جهانی زنان برای صلح و آزادی» می‌گذرد. در آن سال زنانی از بیش از ۷۰ کشور جهان در شهر لاهه گرد هم آمدند تا به فعالیت‌های پراکنده و انفرادی در ایجاد صلح و توقف جنگ رسمیت بخشند و در قالب سازمانی جهانی خود را به‌ثبت برسانند.

نوشته‌اند امسال سازمان جهانی زنان برای صلح و آزادی (EPLIW)، به‌عنوان قدیمی‌ترین سازمان صلح‌جهانی، پیش‌قدم شده است تا در جشن صدمین سالگرد فعالیت خود، کنفرانسی برای دستیابی به صلح و با محوریت نقش زنان در ایجاد صلح و توقف جنگ برگزار کند. به همین منظور این سازمان از بیش از ۱۳۰۰ فعال اجتماعی، اندیشمند و سیاست‌گذار دعوت کرده است تا راه‌های نوین ایجاد صلح در قرن ۲۱ را به مشورت بگذارند. کنفرانس جهانی صلح برای اولین‌بار با عنوان «قدرت زنان در توقف جنگ» برگزار خواهد شد.

نوشته‌اند این کنفرانس دربرگیرنده ۱۵ موضوع کلان و ۴۰ مبحث خرد در مورد راهکارها و چالش‌های برقراری صلح در عصر حاضر است و موضوعات هر بخش در قالب سخنرانی‌ها یا جلسات مبادله افکار با حضور کارشناسان، استادان و فعالان اجتماعی به بحث‌وماکزه گذاشته می‌شود.

نوشته‌اند از محورهای کلان مورد بحث در این کنفرانس می‌توان به اهمیت نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، اقتصادی و بررسی راهکارهای افزایش قدرت مشارکت زنان در ایجاد صلح اشاره کرد. از دیگر محورهای اصلی کنفرانس موضوعاتی مانند صلح و جنگ از نگاه مردانه و ضرورت تغییر این نگاه، راه‌های جذب جنس مذکر برای مبارزه علیه خشونت‌های خانوادگی و نیز رفع تبعیض‌های جنسیتی در جامعه هستند.

نوشته‌اند این کنفرانس به‌طور جدی و زیربنایی خواهان توقف ساخت و تولید جنگ‌افزارها به‌عنوان منابع اقتصادی، توقف تولیدات اتمی و توقف سرمایه‌گذاری دولت‌ها برای جنگ‌افروزی است. مدافعان صلح جهانی شرکت‌کننده در کنفرانس بر سر این موضوع توافق جمعی دارند و می‌خواهند با محور قرارداد صلح‌آفرینی، راهکارهای تغییر جهت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی را با هم به مشورت بگذارند. آنها همچنین امیدوارند که راه‌حل‌های مطرح شده بتواند، منجر به حفظ محیط‌زیست، تولید و تقسیم غذای با کیفیت برای همه و کار آفرینی در آینده شود.

نوشته‌اند از دیگر محورهای خرد و کلان کنفرانس می‌توان به فقرزدایی، روانشناسی و حمایت زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، خشونت‌هایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی بر قشر آسیب‌پذیر جامعه وارد می‌کند و نیز عزم بین‌المللی برای حمایت‌های مالی و معنوی برای صلح‌آفرینان جهان اشاره کرد.

نوشته‌اند که به نمایندگی از طرف ایرانیان فعال در حوزه صلح و حقوق بشر شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۳، صنم نراقی جامعه‌شناس، محقق و فعال حوزه جامعه مدنی و نیز سوسن طهماسبی فعال حقوق زنان از اعضای تشکیل‌دهنده کمپین یک‌میلیون امضا و فعال حوزه جامعه مدنی در این کنفرانس، سخنرانی خواهند داشت. قصدم تخطئه یا تایید این سه نفر نبود، قصدم لابد چیز دیگری بود. کاش خانم مولاوردی بر من خرده نگیرد که در خاتمه این یادداشت، قصدم فراموشم شده است.

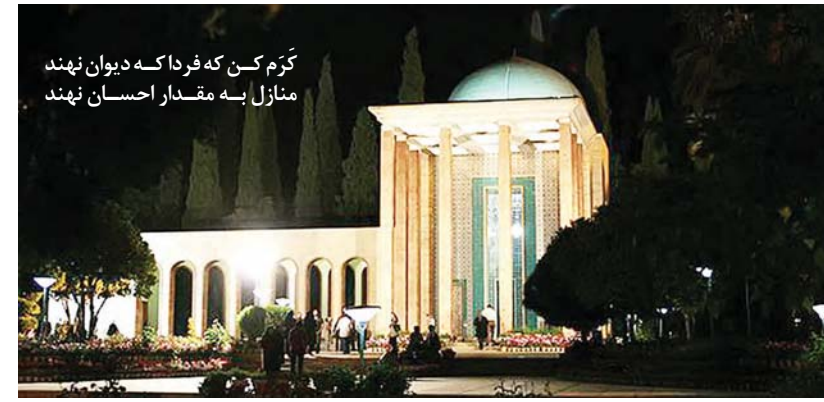

به‌مناسبت روز سعدی

سعدی و حکایت بشردوستی

سعدی، بی‌تردید بزرگترین شـاعری است که بعد از فردوسی، آسمان ادب‌فارسـی را به نور خیره‌کننده خویش روشن ساخت و آن روشنی چنان بود که هنوز پس از گذشـت ۷ قرن از تأثیر آن کاسته نشده است و این اثر تا پارسی برجاست، همچنان برقرار خواهد ماند. زبان فصیح او زبان دل، و عشـق و محبت او خود نشانه تمام‌عیاری است از «آدمیت» به همان معنی که خود بیان کرده‌است.

سخن گفتن از تجربه احوال، مسافرت‌ها، تحصیلات و حوادث ایام و هنر سعدی در پرورانـدن نثر مسجع زیبا واشعار دلپذیر سـهل و ممتنع و پندواندرزهای دلنشین شـاعر را به‌وقتی دیگر می‌گذارم و تنها از سـجایای اخلاقی شـاعر، به کوتاهی، یاد می‌کنیـم که چکیده وحاصل عمر بربار اوسـت. ازجمله سـجایای اخلاقی سـعدی که آن را در کمتر شاعر و نویسنده‌ای می‌توان یافت، شـهامت او در بیان حقایق و لحن عتاب‌آمیزش در برابر حاکمان و قدرتمندان زمـان و دنیاداران از خدا بی‌خبر و زاهدنماهای بی‌بصیرت است. هرچند در میان آثار او قصایدی که به سـنت شاعران ستایشگر سروده شده است، اندک نیسـت، اما تفاوت این مدایح با سایر آثار مشابه در این اسـت که سعدی به‌رغم دیگر گویندگان مداح متملق، به‌جای چاپلوسـی و مبالغـه در اوصاف ممدوح، غالبـا به‌عنوان ناصحی دلسـوز و بیم‌دهنده، صاحبان زر و زور و تزویر را به بی‌ثباتی دنیا و زوال‌پذیری قدرت‌های مادی و بدفرجامی سنمگران متوجه‌می‌کند و با تازیانه هوشیاری‌بخش، ملامت و نصیحت، به تأدیب ممدوحان خویش می‌پردازد و به‌دینداری و خداپرسـتی و عدالت و نیکوکاری دعوتشان می‌کند. سعدی به خلق جهان که همه یکسـره نهال خداینـد، مهر می‌ورزد. او مبشر صلح و بشردوستی اسـت. در چشم‌انداز جهان آرمانی او، «بنی‌آدم اعضای یک پیکـر و در آفرینش از یک گوهرند» وچون کرامت انسانی و آزادی او در نظرش اهمیت فراوان دارد، غایت آرزویش تفاهم میان ملت‌ها و از بین رفتن خصومت‌ها و کدورت‌هااسـت و در این عرصه با احساس مسئولیت و غمخواری نسـبت به ناتوانان، خطاب به مصلحان و خیراندیشـان، چنین سـفارش می‌کند: تو کز محنت دیگران بی‌غمی/ نشاید که نامت نهند آدمی

انسان‌دوستی و شفقت به همنوع و توصیه به مراعات حال محرومان و یاری کردن درماندگان و ناتوانان، گوهر دیگری اسـت از گنجینه‌های عالم معنا که از فروغش آثار سـعدی رونق و جلایی جاودانه یافته است. ابیات فراوانی در این خصوص می‌توان شاهد آورد و مشهورترو معروف‌تر از همه ابیات زیر است:

بنی‌آدم اعضای یک پیکرند/ کـه در آفرینش ز یک گوهرند/ چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار/ تو کز محنت دیگران بی‌غمی/ نشاید که نامت نهند آدمی

اندیشه‌های بشردوستانه سعدی که از فروغ انسانیت آکنده اسـت، متأثر از اصول اخلاقی و تربیتی مکتبی است که از دیدگاه پیشوایان آن، جامعه انسانی به‌مثابه پیکر وای واحداسـت. در نظر سعدی، احسان ونیکوکاری از هر عبادتی شریف‌تر اسـت و والاتر، چنان که به عابدی در راه حجاز ندا رسـید، «به احسانی آسوده کردن دلی/ به از الف رکعت به هر منزلی» یا در جایی دیگر مردی را می‌بینم از پیروان حق که خریدار دکانی بی‌رونق اسـت و به همسر خود که می‌گوید، دیگر از بقال کوی نان مخر، پاسخ می‌دهد: «به امید ما کلبه این جا گرفت». دیگری شخصی است جوانمرد ولی تنگدسـت که برای رهایی مردی بدهکار و زندانی، خود ضامن اومی‌شود و به زندان می‌افتد. گاه از حاتم سـخن می‌رود که اسب بی‌نظیر و گرانبهای خود را- که سلطان روم گمان نمی‌کرد آن را به کسی ببخشد- برای میهمانی ناشناس کشت و نیز دربرابر فرستاده حکمران یمن- که برای کشتن او آمده بود- از سر میهمان‌نوازی سـر نهاد و گفت: «مـر اینک جدا کن به‌تیـغ از تنم»؟ دور از ذهن نیسـت اگر دختر حاتم نیز جوانمرد باشـد و اهل ایثـار و رزری که افراد قبیله‌اش گرفتار جنگ می‌شوند، رهایی خود را نپذیرد و به شمشـیرزن بگوید: «مرا نیز با جمله گردن بزن»؟ بوستان سعدی انسان را تصفیه می‌کند، هرجا به‌منوعی، عواطف انسانی، همدلی و محبت و پیوستگی افراد بشر به‌اشکال گوناگون جلوه‌گر است. اگر فرنند بوستان- که خود در طفلی پدر را از دسـت داده و از درد طفلان خبر دارد- نه‌تنها شفقت به یتیمان را دستوری می‌دهد بلکه با نگرانی‌ای که از کمال انسانیت سرچشمه می‌گیرد ما را چنین‌هوشیاری می‌کند:

چو بینی یتیمی سرافکنده پیش/ مده بوسه بر روی فرزند خویش/ الا تا نگرید که عرش عظیم/ بلرزد همی چون بگریدیتیم

براسـاس این گونه جهان بینی متعالی است که در برخی از منظومه‌های اخلاقی فارسـی نظیر بوسـتان سعدی که دنیایی اسـت آکنده از بشردوستی و شفقت به همنوع، آنچه درخشندگی دارد نیکی و زیبایی اسـت و کرامت و جوانمردی درخور تحسین.

به ابتار، مردان سبق بردند/ نه شـب زنده‌داران دل مردند/ کرامت جوانمردی و نان‌دهی اسـت/ مقالات بیهـوده طبل تهی اسـت/ به‌معنی تـوان کرد دعوی درست/ دم بی‌قدم تکیه‌گاهی اسـت سـست.

مقایسه ایران و جهان:

هر ۱۰۰ جوان یک سمن، هر ۵۰ هزار جوان یک سمن

رضا حجتی در نشسـت هم‌اندیشی سـازمان‌های مردم‌نهـاد جوانان همـدان اظهار کرد: مـردم جوامع توسعه‌یافته در حوزه مباحث اجتماعی، از نظر بینش، نگرش، باورها و اعتقـادات در عرصه گفتمان و رفتار به بلوغ رسیده‌اند.

وی با بیـان این که جامعـه و دولـت دو مفهوم جدا از هم نیسـتند، تصریح کـرد: جامعه و دولـت در هم تنیده شـده‌اند و دولت مفهومی است که از دل جامعه به وجود آمده و جامعه را بازتولیـد می‌کند. وی با بیان این که مردم در جوامعی که دولت و جامعه در هم تنیده شـده‌اند نمی‌توانند به صورت انفرادی فعالیت داشته و تاثیرگذار باشـند، گفت: در این جوامـع مردم باید به صورت سـازمانی اجتماعی، فعالیت داشته باشند و سـازمان‌های مردم‌نهاد را یاری‌دهنده دولت برشمرد و گفـت: سـازمان‌های مردم‌نهـاد بایـد فعالیت‌های غیردولتی، غیرسیاسـی و غیرانتفاعی را در دسـتور کار خود داشته باشـند اما یکی از مشکلات این سازمان‌ها نداشـتن قانون و مقررات مشـخص اسـت مدیرکل مشـارکت‌های اجتماعی وزارت ورزش و جوانان افزود: در ابتدای فعالیت دولت تدبیر و امید تنها ۲۰۰ سـمن فعال در کشور وجود داشـته که این رقم در سال ۹۳ با رشـد ۱۵۰ درصدی به ۵۰۰ سمن در کشـور رسـیده اسـت. وی با بیان این که در کشورهای توسعه‌یافته به ازای هر ۱۰۰ نفر یک سـمن وجود دارد، اظهار کرد: در ایران به ازای هر ۵۰ هزار نفر یک سـمن وجود دارد که این رقم کمتر از رقم مشابه کشورهای آفریقایی است. حجتی با اشاره به این که فعالیت سمن‌ها در کشور نباید به‌صورت نمایشی باشد، ادامه داد: فعالیت سمن‌ها باید معطوف به فعالیت‌های غیرسیاسی و غیردولتی باشد. مدیرکل مشارکت‌های اجتماعی وزارت ورزش و جوانان با بیان این که سـمن‌ها به سه دسـته خیریه‌ها، حوزه اوقاف فراغت و حوزه کار آفرینی و کسب و کار اجتماعی تقسـیم‌می‌شوند، گفت: سمن‌های خیریه به جمع‌آوری کمک‌های داخته و به‌نیازمندان کمک‌می‌کنند.

در آخر مدیرکل مشـارکت‌های اجتماعـی وزارت ورزش و جوانان با بیان این که سـالانه شـاهد ۱۸ هزار فوتی در جاده‌ها هسـتیم که ۳۰ درصد از آن عامل انسانی است از سـمن‌ها خواست برای فرهنگ‌سـازی در این زمینه وارد کار شوند. وی گفت: وزارت راه و شهرسازی، اعلام کرده از سـمن‌هایی که در این زمینه ورود کنند حمایت‌می‌کند.

معرفی موسسه بیمه اجتماعی پزشکی زباله‌های تجاری

زباله بیاورید حق بیمه ببرید

«ما درحال بنا کردن سیسـتمی برای مدیریت زباله در جامعه محلی‌مان هسـتیم.» این گفته دکتر مبنکر «کمال البین سایه»، بنیان‌گذار موسسه بیمه اجتماعی پزشکی زباله‌های تجاری The social enterprise (CGI Garbage Clinical Insurance) در اندونزی است.

او موسـسه‌ای تأسیس کرده که با جمع‌آوری زباله‌های بازیافتی به شهروندان این فرصت را می‌دهد که بتوانند حق‌بیمه خود را پرداخت کنند. البتـه در ازای این کار، موسـسه خدمات بهداشتی با کیفیت مناسب به مراجعان ارایه می‌دهد. این خدمات شامل بیمه و پزشت اولیه، بیمه خانواده، مشـاوره تغذیه، ترویج سـلامتی در مدارس، ویزیت خانگی برای بیمـاران با امـراض مزمن و حتی مشاوره بهداشتی تلفنی‌است.

این پزشک ۲۴ سـاله می‌گوید: «این یک برنامه بیمه خرد اسـت. افراد جامعه محلی زباله‌ها را به ما می‌دهند و یک حق ماهیانه بسـیار کم (کمتر از یک‌دلار در ماه) پرداخـت می‌کنند. مـا این پول‌هـا را به یـک بودجه تبدیل می‌کنیم و آن را به افـراد همین جامعه در قالب کمک‌های بیمه‌ای درمانـی برمی‌گردانیم. گمال البین سـاید، این برنامه را برای کمک به افـراد و خانواده‌های نیازمند جامعه طراحی کرده است تا دوربریز زباله‌ها را به چیزی که سـلامت آنها را ارتقا می‌دهد، تبدیل شود. برنامه بیمه‌اجتماعی «پزشـکی- زباله‌هـای تجاری» تاکنون به بیـش از ۲ هزار نفر کمک کرده اسـت تا به بیمه خدمات درمانی دسترسی داشته باشند. براسـاس این برنامه افراد بایستی زباله‌های بازیافتی خانواده‌های خود را جمع‌آوری کرده و آن به یکی از ۵ مرکز که توسط موسـسه بیمه اجتماعی پزشکی زباله‌های تجاری اعلام شده، تحویل دهند. این مراکز زباله‌ها را بازیافت کرده و به خریداران می‌فروشند. درآمد ماهانه این کار بیش از ۱۰ هزار روپیه اندونزی است. این دکتر جوان اندونزیایی همچنین رئیس هیأت‌مدیره «مدیکا»ی اندونزی است. او در زمینه‌های علمی و اجتماعی بهداشـت و درمان فعالیت کرده و چندین جایـزه مهم ملی و بین‌المللی در این زمینه دریافت کرده ازجمله جایزه الهام‌بخشی علمی از سـوی وزارت تکنولـوژی و پژوهش اندونزی. او می‌گوید: «این نیکی اسـت که شاید نیکی بیشتری دربر داشته باشد. پس به دیگران نیکی کنیم تا آن‌جا که می‌توانیم.»

کار داوطلبانه

طرح‌های بانکی در روز کار داوطلبانه

در آستانه روز کار داوطلبانه به معرفی طرح‌های خیرخواهانه ERNSTE صربسـتان و دوبچه بانک که توسط کارمندان این موسسه به‌صورت داوطلبانه انجام گرفته است می‌پردازیم.

بانک ERNSTE صربستان

بانـک ERNSTE صربسـتان در زمینـه حفاظت از محیط‌زیسـت و کمـک به جوامع محلی برنامه‌های داوطلبی برای کارکنان خود ترتیب می‌دهد. این برنامه‌ها به‌شکل برنامه‌های گروهی (کمپین‌هـای داوطلبـی منطقه‌ای) یا برنامه‌های فردی (ایجاد فرصت مشـارکت در برنامه‌های اجتماعی بـرای کارکنان) انجام می‌گیرد. طرح‌های اجرا شده عبارتند از:

- برگزاری ۳ کمپین داوطلبی در سال
- شـرکت ۲۵ کارمنـد در کمپین‌هـای منطقه‌ای و حـدود ۷۰ کارمند در کمپین‌های سالانه
- گـردش علمـی و برگـزاری کارگاه برای کودکان مناطق محروم
- آموزش به شـهروندان در زمینه مدیریت مالـی (برگـزاری کارگاه توسـط بانـک ملی صربستان و ۸ بانک دیگر عضو Un Global Compact)
- کمـک بـه دانش‌آمـوزان در مسـابقه کارآفرینی مدارس راهنمایی
- برگزاری کارگاه‌ها و سخنرانی‌های متعدد.

دویچه بانک

دویچـه بانک کـه در کشـورهای مختلف شـعبات متعددی دارد در زمینه مسـئولیت اجتماعی شـرکتی و داوطلبی کارکنان بسـیار فعال بوده و برنامه‌های مختلفی در کشورهای مختلف برگزار می‌کند. در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

- تهیـه بسـته‌های تحصیلـی بـرای دانش‌آموزان (هند)

در این برنامه ۵۰۰ بسـته تحصیلی (حاوی یک کیف، دفترچه، دفترنقاشـی و جامدادی) بـرای دانش‌آمـوزان مناطق محـروم در هند توسـط کارمندان داوطلب بانک تهیه و توزیع می‌شود.

- ساخت زمین‌بازی کودکان (ژاپن)

در یـک برنامه ۳ روزه یـک زمین‌بازی برای یک مدرسه در ژاپن (که به‌واسطه زلزله تخریب شده بود) توسط ۳۲ کارمند بانک ساخته شد. کار ساخت در دو روز به اتمام رسید و کارمندان بـرای روز سـوم یک برنامـه تفریحـی برای دانش‌آموزان در زمین بازی ترتیب دادند.

- پروژه Food for Life (هنگ‌کنگ)

بیـش از ۴۰ کارمنـد دویچـه بانـک در هنگ‌کنگ به‌همراه خانواده‌هـای خود در این پروژه شـرکت کردنـد و غـذای گیاهی میان ۱۰۰۰ فرد سالخورده و محروم در هنگ‌کنگ توزیع کردند. کار تهیه مواد، پخت، بسته‌بندی و توزیع غذا همگی بر عهده کارمندان بوده است.

- سـایر برنامه‌های SEW A Day دویچه بانک (۳۲۰ داوطلب در ۱۲ پروژه)

در این روز کارمندان دویچه بانک برنامه‌های مختلفی از جمله رنگ‌کردن مدارس، دادن غذا به مردم محروم و آموزش تمیزکردن سواحل به دانش‌آموزان و بزرگسالان را انجام دادند.

- کمک به خانه سالمندان (هنگ‌کنگ)

در ایـن برنامـه ۲۴ کارمنـد بانـک در خانه‌سـالمندان حضـور یافته و در تابسـتان پنکه‌برقی برای آنها نصب کردند و چند حرکت ورزشـی سـاده جهت حفظ سـلامتی آنها نیز آمـوزش داده و بـه دردل این افـراد نیز گوش دادند.

- بازسازی مدرسه (تایلند)

۹۷ کارمند داوطلب بانک به‌همراه خانواده‌های خود در بازسـازی مدرسـه‌ای در یک روستای کوچک شـرکت کردنـد. شـرکت‌کنندگان به گروه‌هـای ۴ یـا ۵ نفری تقسـیم شـده و کار مرمـت دیوارها، تمیزکـردن میزها و نقاشـی دیوارها را برعهده گرفتند. یک برنامه ناهار برای دانش‌آموزان نیز ترتیب داده شـد و کارمندان با دانش‌آموزان سرگرم بازی شدند.

- یـک روز در مرکز رفـاه اجتماعی Eden (تایوان)

کارمندان بانک از مرکز رفاه اجتماعی Eden کـه افـراد معلـول در آن نگهداری می‌شـوند، دیدن کردند و با افراد آن جا به بازی و سـرگرمی (آواز خوانی و ورزش) مشغول شدند.

- پروژه اهدای لباس (سنگاپور)

کارمندان بانک لباس‌های نو خود را جمع‌آوری کـرده در یـک اقدام گروهـی آنها را شسـته، بسته‌بندی کرده و برای توزیع میان افراد محروم در سنگاپور، کامبوج و لائوس ارسال کردند.

۱

ابتکارات داوطلبانه بین‌المللی

دو استقامت ملی

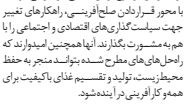

می الخلیل
دونده دو استقامت

در لبنان سالانه یک تیر شلیک می‌شود که بخشی از صحنه خشـونت مرسوم نیسـت: صدای افتتاح مسابقه دو استقامت بین‌المللی بیروت. می الخلیل، بنیان‌گذار این مسابقه مارا تن توضیح می‌دهد که چرا معتقد بود یک رویداد دو ۴۲ کیلومتری، حتی برای یک روز در سال هم که شده بتواند کشوری را متحد کند که برای دهه‌ها سال به‌واسطه سیاست و مذهب تقسیم شده اسـت: از لبنان می‌آیم و معتقدم که دویدن می‌تواند جهان را تغییر دهد. می‌دونم چیزی که الان گفتم آن قدر هم واقع‌بینانه نیست.

می‌دونید لبنـان به‌عنوان کشـوری کـه یکبار به‌واسـطه جنگ‌داخلی (مدنی) خونین و طولانی نابود شده‌است، راسـتش، نمی‌دونم چرا بهش میگن جنگ‌مدنی چون هیچ‌چیز مدنـی درباره‌اش وجود ندارد. برای سال‌ها، این کشور بین سیاست و مذهب تقسیم شده است. بنابراین، برای یک روز در سال ما حقیقتا متحد می‌ایستیم و این همان زمانی است که مراتن (دو استقامت) اتفاق می‌افتد.

من دونده دو اسـتقامت بودم. دویدن مسـافت طولانی نه‌تنها برای وضعیت سـلامتیم خوب بود بلکه به من در تمدد اعصاب و رویاهای بزرگ داشتن کمک‌می‌کرد. بنابراین هرچه مسافت‌های طولانی‌رو می‌دویدم، رویاهایم بزرگ‌تر می‌شـدند، تا این که در صبحی سرنوشـت‌سـاز و درحال تمرین کـردن، با اتوبوسی تصادف کردم. تا مرگ پیش رفتم و در کما. دوسال بیمارسـتان بودم و برای این که دوباره قادر به راه‌رفتن باشم، تحت ۳۶ عمل جراحی قرار گرفتم.

به محض این که از کما خارج شـدم فهمیدم که دیگر نمی‌توننستم همان دونده‌ای که قبلا بودم باشم، بنابراین تصمیم گرفتم، اگـر دیگر خودم نمی‌تونم بدوم، می‌خواهم مطمئن شـوم که بقیه می‌توانند بدوند. بنابراین وقتی از بیمارسـتان بیرون آمدم، از شوهرم خواستم شروع به یادداشت برداشتن کند و چند ماه بعد، این دو استقامت متولدشد.

سازماندهی یک دو اسـتقامت به‌عنوان واکنش به یک تصادف شاید عجیب به‌نظر رسـد، اما در آن لحظه، حتی در طول آسـیب‌پذیرترین شرایطم، به رویایی بزرگ نیاز داشتم. به چیزی نیاز داشتم که مرا از درد‌م دور کند، هدفی برای انتظار کشـیدن، قصد دلسوزی برای خودم را نداشتم، همین‌طوری جلب دلسوزی از سوی دیگران و فکر کردم با سازماندهی چنین دو اسـتقامتی، می‌تونسـته‌ام دین خود را به جامعه‌ام بپردازم، با ساختن پل هایی به‌سوی جهان بیرون و از دونده‌ها بخواهم که به لبنان بیایند و زیر چتر صلح بدوند. سـازماندهی یک دو اسـتقامت در لبنان قطعا شباهتی به سازماندهی آن در نیویورک ندارد. چطور می‌خواهید مفهـوم دویدن را به ملتی معرفی کنید که مدام در آسـتانه جنگ قرار دارند؟ چطور از آنها که زمانی مشغول نبرد و کشتن همدیگر بوده‌اند، خواهید خواسـت به هم ملحق شوند و در کنار هم بدوند؟ از همه مهم‌تر، چطور آدم‌ها را برای دویدن مسـافتی ۴۲ کیلومتری متقاعد می‌کنید، آن هم در زمانی که آنها حتی بـا واژه «مراتن» (دو استقامت) آشنا نیسـتند؟ پس باید از صفر شروع می‌کردیم.

برای تقریبا دو سـال، به سرتاسر کشور رفتیم و حتی از روسـتاهای دورافتاده دیـدن کردیم. من شخصا با مردمانی از طبقات مختلف جامعه ملاقات کردم. شهردارها، سازمان‌های غیردولتی، بچه‌های مدرسه‌ای، سیاستمدارها، جنگجویان غیرنظامی، افراد مسجدی یا آدم‌های کلیسا، رئیس‌جمهوری کشـور، حتی زنان خانه‌دار. یک چیـز یاد گرفتم: وقتی حرف و عملتان یکی باشـد، مردم شـما را باور می‌کنند. خیلی تحت‌تاثیر داسـتان شخصی‌ام قرار گرفتنـد و در عـوض داسـتان‌هایشـان را به اشتراک گذاشـتند. صداقت و شفافیت بود که ما را یکجا جمع کرد. ما با هم بازبان مشـترک حرف زدیم و این از انسـانی بـه انسـان دیگر بود. زمانی که اعتماد ساخته شد، همه می‌خواستند بخشی از دو اسـتقامت باشـند تا به دنیا رنگ‌های واقعی لبنان و لبنانی را نشـان دهیم و اشتیاق آنها برای زندگی کردن در صلح و هارمونی.

پاورقی هفته